

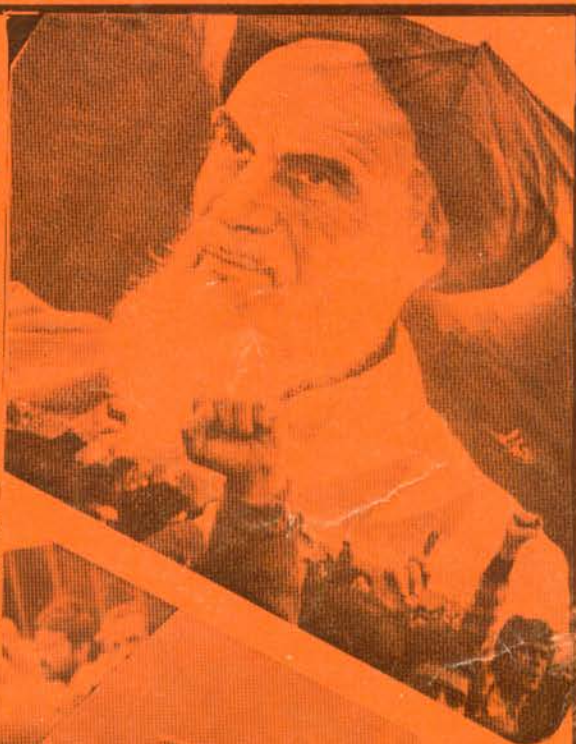


کارگران ایران

نشریه ماهانه دفتر هماهنگی شماره خرداد ۱۳۵۸

امام خمینی :

... این کارگرهای ما اشخاصی هستند که مدیر جامعه انسانیت هستند، اداره امور مملکتها، اداره امور کشورهای بدست اینهاست بدست کشاورزان، بدست کارگران کارخانهها و دهقانان و کشاورزان. اینها هستند که اداره می کنند کشورها را و از این جهت مدیر این عالم، عالم طبیعت در این زمین که یک ستاره کوچک است، اداره امور این زمین بدست کارگران است و بدست اینهاست که اداره می کند و زنده می کند این عالم را، زنده می کند کشور را، بنابراین اینها عهد ما را بر بزرگی هستند، احترام زیاد دارند و مسئولیت زیاد.



گرامیداشت قیام ۱۵ خرداد

فهرست

صفحه ۱	سرمقاله
صفحه ۲	قیام پانزده خرداد
صفحه ۳	درد دل
صفحه ۴	ضرورت اتحاد و همبستگی
صفحه ۶	زاغه نشینی و مشکل مسکن
صفحه ۸	نقش کارگران در انقلاب
صفحه ۱۱	داستان
صفحه ۱۲	گزارش يك زن کارگر
صفحه ۱۴	خواستهای کارگران
صفحه ۱۶	علت اخراج بنده
صفحه ۱۷	شعر (جوشکارم)
صفحه ۱۸	اخبار ایران
صفحه ۱۹	اخبار جهان
صفحه ۲۲	آیا میدانید که
صفحه ۲۳	گزارش از يك کارخانه
صفحه ۲۴	تعطیل کارخانه توطئه است
صفحه ۲۵	برای زنده ماندن نار میبندم

مراسم بزرگداشت قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲ در قالب تظاهراتی همراه با راهپیمایی باشکوه و متشکل در روز ۱۵ خرداد برگزار شد .
از اولین ساعات بامداد توده های بپاخاسته ی خلق آزاد گشته از بند ستم از نقاط مختلف شمال و جنوب تهران و در مسیرهای مختلف به سمت میدان سپه حرکت کردند . آنها خوشحال بود تد از اینکه بار دیگر فرصت یافته اند تا پیوند ناگسستنی خود را با راه و هدف و خاطره فرا موش نشدنی شهیدان انقلاب اعلام دارند .

کارگران به همراه کسبه ، بازاریان ، کارمندان ، دانش آموزان و دیگر اقشار خلق نقش برجسته ای در برگزاری این راهپیمایی و تظاهرات پرشکوه داشته اند و چهره های مبارزشان در قسمتهای مختلف صفوف به چشم می خورد . مسیر راهپیمایی قبلا توسط " ستاد برگزاری مراسم ۱۵ خرداد " اعلام شده بود .
در این تظاهرات صد ها هزار تن شرکت کردند و مهمترین شعارهایی که میدادند ابرقدرتها و امپریالیستها و نوکرانشان را هدف قرار داده بود .
چند شعاری که بیشتر بگوش میخورد بشرح زیر بود

۱۵ خرداد ماه - آغاز نهضت ماست - خمینی بت شکن رهبر
امت ماست * مرگ بر سه مفسدین - کارتر و سادات و بکین * فلسطین
فلسطین ، فلسطین ، ما با هم متحد می شویم تا برکنیم ریشه ی اسرائیل
افغان ، افغان ، افغان - ما با هم متحد می شویم - تا برکنیم ریشه شوروی
درود ، درود ، درود ، درود بر خمینی * ای شهید ، خونت هنوز می
جوشد - بردشمنان خورشید - جای تو خالی ، جای تو خالی *
مجاهدین افغان - فلسطین - اریتره و لبنان ، متحدان ایران *
نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی * ایران ایران ایران ، ای ایسران
ایران را آزاد کرده ایم ، رو برکنیم ریشه ی آمریکا ، درود ، درود ، درود
درود بر خمینی *
.....

شاه مزد و ر را سرنگون کرده، ولی هنوز به آخر نرسیده و ادامه دارد. در این وضعیت هر طبقه و هر قشر خلقی باید نقش خود را در جامعه خوب بداند و بفهمد و برای خدمت به انقلاب هر روز آگاه تر و سازمان یافته تر انقلاب را علیه امپریالیسم و نوکران داخلی آن ادامه دهد.

مجله‌ی "کارگران ایران" را برای آن منتشر می‌کنیم تا با کمک سایر کارگران آگاه و مبارز به رشد جنبش کارگری برای پیشبرد انقلاب خدمت کنیم. در کشوری مانند مین ما که تحت قدرت امپریالیسم قرار داشته و هنوز هم از نفوذ و تهدید آن در عذاب است مهمترین مسأله مبارزه با انواع امپریالیسم است. بنابراین لبه‌ی تیز مبارزه هر طبقه و قشری اول از همه باید متوجه‌ی امپریالیسم باشد. اول از همه باید این را حل کنیم. ما طعم تلخ زندگی در کشوری را که زیر چکمه امپریالیسم است چشیده‌ایم. اما مسایل دیگری هم داریم. کشورمان بدنبال حکومت ۲۵۰۰ ساله‌ی سلطنت - استبدادی فردی داغ ۲۵ ساله خفقان محمدرضا پهلوی راهم برگزیده دارد. بنابراین می‌خواهیم آزادی هم داشته باشیم، ما مزه‌ی فقر و تنگدستی، بیکاری و زندگی در حلقی آبادها و زاقه‌ها را می‌دانیم چیست. بنابراین می‌خواهیم به عنوان کسانی که ثروت را ایجاد می‌کنند و قصرهای بزرگ را می‌سازند، از یک حداقل زندگی انسانی هم برخوردار باشیم. اما اگر اینها را می‌خواهیم باید مبارزه کنیم و اگر می‌خواهیم مبارزه کنیم باید بدانیم چگونه مبارزه کنیم و این را هم خوب بدانیم که عده‌ای از "چپ و راست" می‌آیند و می‌گویند "شما لازم نیست اینها را بدانید ما برایتان تصمیم می‌گیریم" ما به آنها می‌گوئیم از شما متشکریم خودمان از پس این کارها برمی‌آئیم. و این مجله را هم به آن امید منتشر می‌کنیم تا کمکی باشد که از پس این کارها برآئیم. در این مجله ما می‌خواهیم از نقش کارگران در اجتماع و در مبارزه صحبت کنیم، تاریخ گذشته و انقلاب بزرگ

بقیه در صفحه ۲ -



انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی شاه خائن را سرنگون کرد. دیکتاتوری و اختناق پهلوی را از بین برد. اما ریشه امپریالیسم کنده نشد. رژیم وابسته به - امپریالیسم سرنگون شد ولی نفوذ امپریالیسم که یادگار حکومت طولانی آنها در ایران بود باقی مانده است. غیر از آن امپریالیستهای رنگارنگ از توطئه علیه انقلاب دست بر نمی‌دارند و می‌خواهند وضع را به صورت سابق برگردانند. خلق ما می‌خواهد آزاد باشد ولی هنوز هم جریانات ضد مردمی و عوامل امپریالیسم اخلاص می‌کنند کارگران و دهقانان و زحمتکشان دیگر به علت حکومت طولانی طاغوت در فقر شدید بسر می‌برند. ولی سرمایه‌داری وابسته و پیرمانده‌های ارباب رعیتی در دهات تنها نمی‌خواهند دست بردارند بلکه می‌خواهند بیشتر بچایند. اگر هم بشود می‌خواهند به صورت همان اربابان سابق به دهات برگردند. خلاصه آنکه انقلاب شروع شده

دنباله‌ی سرمقاله

اسلامی را به یاری می‌گیریم که این را روشن کنیم. می‌خواهیم وضعیت کار، زندگی، و مبارزه‌ی کارگران را نشان دهیم. در این مجله ما می‌خواهیم اهمیت وحدت کارگران را توضیح دهیم. در این مجله ما می‌خواهیم اهمیت وحدت کارگران با طبقات و اقشاری که خلق را درست می‌کنند روشن کنیم. می‌خواهیم — اهمیت وحدت کارگران با دهقانان، با دانشجویان، با کسبه، با تجار و سرمایه‌داران ملی و بقیه کسانی که در برابر امپریالیسم، خفقان، و بی‌عدالتی ایستاده‌اند و حاضراند بایستند را توضیح دهیم.

ما سعی می‌کنیم با آموزش از مبارزات گذشته‌ی طبقه‌ی کارگر سمت درست مبارزه در جهت خواسته‌های برحق کارگران را پیدا کنیم و در این مبارزه متحدانه‌گام برداریم ما در این مجله می‌خواهیم اهمیت — سازماندهی و متشکل شدن کارگران را توضیح دهیم، از احزاب و اتحادیه‌های کارگری برایشان بنویسیم، از کارگران همه‌جای کشور و همچنین کشورهای دیگر برایشان بنویسیم و اطلاعات عمومی در اختیارشان بگذاریم، اشعار و داستانهای خوب برای آنها تهیه کنیم، ما می‌خواهیم در این مجله آن‌ها را که کارگران می‌خواهند و ما می‌توانیم، برایشان بگوئیم. و کمک بکنیم که شعور سیاسی و اجتماعی کارگران ایران که ستین محکم انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند بالا رود و نشانها ستون بلکه پیش‌قراول ادامه‌ی انقلاب باشند. اما برای آنکه از عهده‌ی همه‌ی این کارها برآئیم و مجله‌مان زنده باشد و برای کارگران باشد باید شما خوانران و نرادران کارگر به ما کمک کنید و در تهیه آن شریک شوید، برایمان بنویسید یا با ما تماس بگیرید که راجع به چه چیزهایی بنویسیم؟ مسایل شما چیست از وضع کار و زندگی، شهر و خانواده خود برایمان بنویسید

شعری‌گوئید، داستان برایمان بفرستید از تجارب خودتان در مبارزه برایمان تعریف کنید. از وضع سیاسی کارگران همکاران بگوئید، راهنمائیمان کنید که حرفهایمان جواب به خواسته‌های شما باشد. بامید اینکه این کارها در خدمت رشد جنبش کارگری و خدمت به ادامه‌ی انقلاب بزرگی که به رهبری امام خمینی شروع شده است باشد. دستتان را بگیریم می‌فشاریم. هیئت تحریریه

قیام ۱۵ خرداد

۲۸ مرداد سال ۱۳۲۲ ارتجاع داخلی با نقشه‌ی پلید امپریالیستهای آمریکائی کودتای سیاه خود را بسراه انداخت و حکومت ملی دکترومد قرا که جلوه‌گر مبارزات خلق ایران در راه ملی کردن صنایع نفت بود ساقط کرد از این پس قدرت سیاسی بدست امپریالیستها و مرتجعین افتاد و آنها تا آنوقت که سرکوب و خشیانگی ملت آزادی‌خواه و ایجاد محیط ترور و اختناق پرداختند قبل از هر چیز نفت ملی شده را به امپریالیستها تقدیم کردند و چند سال بعد به منظور کنترل مردم سازمان جهنمی امنیت را بوجود آوردند، بدین ترتیب ایران که زمانی می‌رفت تا کشوری مستقل و متکی به خود شود، با شکست جنبش خلق و پیروزی ارتجاع مسیر خویش را تخییر داد و به یمن وجود دیار پهلوی میهن ما به کشوری بیش از پیش وابسته به امپریالیسم بهره‌امپریالیسم آمریکا بدل شد. اما اوضاع به همین منوال باقی نماند. سالهای ۳۸ تا ۴۲ جامعه‌ی ما را بحرانی اقتصادی — فرا گرفت. فقر، بیکاری، کساد و تورم دامگیر میهن ما شد. در نتیجه توده‌های زحمتکش به خیابانها آمدند اعتصابات و تظاهرات پیاپی براه انداختند و رژیم مغرور بقیه در صفحه ۲۰

درد دل . . .

در یکی از راه‌های فرعی جاده‌ی خراسان به طرف کوره پز خانه‌های

محمود آباد پیش می‌رویم . تعدادی از کارگران زن و مرد با کودکان خود

از خرید شهر برگشته و به طرف خانه‌های خود که در اطراف کوره ها

قرار دارد در حرکتند . سه نفر از آنها که دو نفرشان زن هستند و چغای

در بغل دازند با یک مرد سوار ماشین می‌شوند و خواهر جان وضع شما در اینجا چطور است " قدری تردید

دارند که جواب دهند بعد از کمی مکث صحبت می‌کنند " ای آقا وضع خوبی نداریم . ما از مردم در افتاد ما می

و سائل زندگی نداریم از وقت نداریم و درد سترس نیست . ما الان برای خرید به شهر رفته بودیم —————

مغازه های اینجا خیلی گران فروش هستند . اینجا گوشت گوسفند اگر گیر بیاید کیلوشی ۴۰ تومان است گوشت

گا و را هم کیلوشی ۳۵ تومان می‌خریم . سبزیجات کم است . حمام نداریم یک حمام کثیف و خرابه ای وجود

دارد که هر دفعه سه تومان می‌گیره . و با این کار کیفی که ما داریم باید هر شب حمام برویم ولی نمیتونیم هر

دفعه سه تومان پول بدیم . از همه بدتر وضع خونه مونه . در یک اطاق گاهی اوقات دو سه خانوار با هم زندگی میکنند

ازد کترو و اصلای بهره هستیم

* * *

یکی از زنها تو حرف دیگری

می‌پرد " اگر بچها یک شب دل

درد بگیره باید ۱۰۰ تومان

کرایه ماشین بد هم تا او را به

شهر پیش دکتر ببرم و کلی هم

باید خرج کنم تا او را معالجا

کنم بچه‌های ما اغلب مریض

هستند . آقا اصلا ما و شوهرها

نعان در اینجا هم کارمان

سخت هست و هم مریض کنند

به همین خاطر است که داد ما

همیشه بلند است و کسی هم

نیست بعد از ما ن برسد . شاه

پدر ما را آورده ما را بیچاره

کرده آواره و بد بخت کرده .

در اینجا آنها به مقصد خود

رسیدند و از ماشین پیاده شدند

و فرصتش را جمع به مسائل

دیگر صحبت کنیم . . .



ضرورت اتحاد و همبستگی

کارخانه های مختلف می توان یافت؛ همانیکه کارگران کارخانه های برای در خواستهای خود مبارزه می نمودند و کارفرما سعی می کرد با توطئه علیه کارگران، نمایندگان آنها را اخراج کند، بلافاصله بازگشت تعیین می کرد، کارگران خود به یکی از خواستهای اساسی کارگران مبارز بدل می شد و همه یکپارچه متحد بازگشت کارگر اخراجی را خواستار می شدند، یا همانیکه کارگران شب

کار میخواستند در کارخانه خود در شمع جمع شوند و سخنگو برایشان صحبت کند یکپارچه همه چراغها خاموش و درها بسته میشد تا در تاریکی سخنگو بتواند صحبت خود را بدون اینکه شناخته شود بنماید. این چنین کارگران از همدیگر مواظبت میکردند و با وقتی در جریان مبارزات یک کارخانه پلیس به آنها حمله میکرد و کارگری بدست مزدوران رژیم به شهادت میرسید از طرف کارگران کارگاههای دیگر اعلام همبستگی میشد. وقتی که اکثریت کارخانجات در هر گوشه این مملکت دست به اعتصاب و مبارزه زده بودند، کارگران صنعت نفت مسا با اتحاد کامل شروع به اعتصاب و جلوگیری از صدور نفت کرده همبستگی

کارگران می بايست به آنها دست یابند. اما در طول سالهای گذشته مبارزات طبقه ی کارگر رشد و گسترش چشمگیری پیدا کرده و کارگران روز بروز آگاهتر شدند. رفته رفته اعتصابات و اعتراضات دامنه وسیع تری پیدا کرده و هرگاه اعتصابی در يك مكان می شد



چندین اعتصاب دیگر را به همراه می آورد و هر صدای اعتراض که از يك کارگاه برمیخاست، ندای همردی، همکاری و همراهی صدها و هزاران کارگر را بدنبال می آورد و بهمین ترتیب مبارزه ادامه میافتد و در این مبارزه بود که همبستگی افزایش می یافت و صف متحد کارگران بپا خاسته هر روز فشرده تر از پیش میشد. در این مورد نمونه های بیشماری از اکثر شهرستانها و درون

طی بیش از هفتاد سال در اثر رشد صنایع کارگران میهنمان نیز رشد قابل ملاحظه ای کرده و امروزه از نظر اقتصادی - سیاسی و اجتماعی وزنه مهمی در میهنمان بحساب می آید. کارگران هر روز نقش بیشتری در مبارزات مردم داشته اند. کارگران ایران چه در گذشته و چه امروز مبارزات پر افتخاری را به سرانجام رسانیده و در مبارزات مردم از خود قهرمانیها بجای گذاشته اند. دستیابی به اینها همه در اثر اتحاد و یگانگی این طبقه بوده است. کارگران در عمل به این نتیجه رسیده اند که يك دست صدای ندارد. کارگران با سابقه خوب میدانند در سالهای گذشته که هنوز مبارزات و اعتراضات صنفی به این صورت دسته جمعی و یکپارچه نبود، اگر کارگری فرضاً می خواست تقاضای اضافه دستمزد کند مجبور بود خود به تنهایی نزد کارفرما برود و چه بسا که هرگز بخواستش نمیرسید هر چند که این خواستها مانند تقاضای مسکن، حق بیمه، بهداشت محیط کار و دیگر خواستهای صنفی همگی محقانه و جزو اولین و ابتدائی ترین چیزهایی بودند که

کامل خود را با مبارزات حق طلبانه مردم اعلام کردند، و همین اتحاد و همبستگی بود که توانست کمر رژیم طاغوتی و منفور پهلوی را بشکند و ضربه مهلکی بر آنها نیکه دستشان بر روی منابع ملی ما دراز بود وارد آورده، انقلاب را بجلو برد.

مردم مبارز نیز به پشتیبانی از اعتصاب کارگران نفت بلند شده و کمکهای مادی و معنوی زیادی به کارگران کردند. تاریخ ایران هرگز مبارزاتی به این عظمت با این وحدت یکپارچه بخود ندیده بود. هزاران نمونه دیگر همه نمودار رشد آگاهی کارگران برای اتحاد بیشتر بمنظور رسیدن به خواستههایشان است.

در سالهای گذشته که مبارزات در سطوح مختلف و از نظر واحتمولیدی پراکنده و جدا از یکدیگر بود ضرورت متحد و متشکل شدن بشدت احساس میشد.

امروز هم ضرورت همبستگی کارگران نسبت به گذشته تخفیف پیدا نکرده، این مطلب را میتوان با آوردن نوبت مثال بخوبی نشان داد.

۱- در کارخانه توشیبا تعداد زیادی از کارگران از کار بیکار شده اند کارفرما برای اینکه این کارگران به سرکار باز نگردند عوامل خود را در کارخانه بکار انداخته تا مانع ورود کارگران مبارز به کارخانه شوند. وقتی

کارگران بیکار برای برگشتن مجدد به سرکار مراجعه میکنند کارفرما اظهار میکند که من خود مخالفتی با شماها ندارم ولی کارگران مخالفند که شما سرکار بیایید.

چون با تبلیغاتی که کارفرما در میان کارگران کرده است کارگران فکرمیکنند که حقوق و سود و مزهشان وقتی کارگران زیاد تر باشند کمتر می شود. از این طریق کارفرما روحیه بدبینی و ترقه در بین کارگران ایجاد می کند، درهم



شکستن این توطئه ها تنها از طریق همبستگی کارگران چه آنها که سرکار هستند چه آنها که بیکارند امکان پذیر است.

۲- در کارخانه هایی که سندیکاها واقعی وجود دارد و یا کارگران از میان خود نماینده ای واقعی خود را انتخاب نموده اند کارفرمایان همیشه با وجود این سندیکاها نمایندگان مخالفت کرده و میخواهند آنها را ساقط کنند و با علم کردن دو سه نفر از دست پرورده های خود دائما

آتش به پا می کنند که ما این سندیکا و نمایندگان را نمیخواهیم. این نمونه ها نشان میدهند، امروزه که این انقلاب به پیروزی رسیده کارگران می بایست صفوف خود را مشکل تر کنند تا از این طریق بتوانند چرخ اقتصاد مملکت را بگردش در آورده و از طرف دیگر بتوانند متحدانه خواستههای خود را مطرح نمایند تا به آنها برسند، امروزه ضرورت همبستگی و مبارزه با ترقه اندازان و عوامل کارفرما و غیره دوچندان احساس میشود و باید برای ایجاد این همبستگی شرایط بوجود آورد و مبارزه نمود تا بتوان با اتحاد بیشتر مسائل خود را به پیش برد.

اینجاست که میتوان معنی ضربالمثلی که می گفت " یک دست صد اندازد " را فهمید و نتیجه گرفت که کارگران متحد و متشکل همه چیز هستند و از طریق همین همبستگی میتوانند به خواستههای خود برسند و از دست کارگر غیر متشکل و پراکنده امروزه دیگر کاری ساخته نیست.

این آگاهی زمانی به دست آمد که کارگران در مبارزه منفرد خود با شکست مواجه شدند و در عمل دریافتند که جدا از هم و منفرد نمی شود با سرمایه دارانی که رژیم وابسته ی پهلوی حامی و پشتیبان

زاغه نشینی و مشکل مسکن

یکی از بزرگترین مشکلات کارگران و زحمتکشان تهیه مسکن است . در تهران و شهرهای بزرگ این مشکل مثل گره کوری شده است . کارگران همه خانه‌ها و ساختمانها و کاخها را میسازند ولی خودشان بیشتر از همه از داشتن سرپناهی محروم اند . بقول معروف از اینهمه نعد سرشان بی کلاه مانده است . حق هر انسانی است که محلی برای آسایش و امنیت و زندگی داشته باشد . خیلی از زحمتکشان بخاطر نداشتن خانه و درآمد کافی زاغه نشین شده‌اند شغل اکثریت زاغه نشین ها کارگری است . آنها در موقعیت و شرایط بدی زندگی میکنند و مشکلات فراوانی دارند . زاغه به هر چیزی جز مسکن و خانه شبیه است . اصلا لانه است بجای خانه . بقول یکی از زاغه نشینها لانه کتورها خیلی بهتر از خانه زاغه نشینهاست در اطراف و حوالی شهر تهران محلات زاغه نشینی فراوان است . برای اینکه با مشکلات و نظرات زاغه نشینها بیشتر آشنا شویم بسراغ یکی از محلات آلونک نشین میرویم . بقول معروف مشت نمونه خروار است .

اواسط خیابان آیزنهاور خیابان زنجان شمالی قرار دارد . درواجر

این خیابان محله ای آلونک نشین وجود دارد . درو بر آن خانه های بزرگ و قشنگ ساخته شده است . این محله مثل وصله کهنه و پارهای بر روی یک لباس قشنگ و نو توی چشم میزند . زاغه ها حدود ۱۵-۲۰ سال پیش وقتی که اطرافش بیابان بوده ساخته شده است . این محله درد و قسمت در و طرف خیابان قرار دارد نزدیک ۲۰۰ خانوار در آن زندگی میکنند . از آدم مجرد تا آدمی با ۸ سر عائله در آنجا زندگی میکنند . اکثر زاغه ها تو در توست . یک راهرو باریک بعضی زاغه ها را بهم وصل میکند . سقف اطاقها کوتاه و خراب است . اگر باران بیاید از سقف به داخل اطاق نفوذ میکند . نور به سختی به داخل راه پیدا میکند . دیوار زاغه ها از آهن و حلبی و چوب و آجر است . جایشان خیلی تنگ است . هر خانواری عقریباً در ۲ تا ۶ متر مربع زندگی میکنند . با همدیگر خیلی نزدیک و مهربان هستند چون زندگیشان تو هم دیگر است و مشکلاتشان یکی است . با سرمای زمستان و گرمای تابستان باید بسوزند و بسازند . هر قسمت محله یک مستراح داشته که همه با هم چه مرد و چه زن از آن استفاده میکردند ولی تازه کی از طرف کمیته

امام د و مستراح جدید ساخته‌اند که یکی مال مرد ها یکی مال زن ها است . نسبت به جمعیت تعداد مستراحها خیلی کم است . اکثریت کرد و ترک هستند ولی از مردمان دیگر هم زندگی میکنند . عده ای از آنها بیکار و بقیه هم کارگر و دوره گرد و غیره هستند روی آسایش و استراحت را بخود ندید هاند . فقط آدمهای رنج دیده و زحمت کش میتوانند این جور جاها دوام بیاورند . با این وضع با مشکلات زیادی هم درگیرند . اولی تهیه آب است که بخاطرش در زحمت هستند . برای شستشوی ظرفها و لباسها و نظافت مجبورند از آب جوی استفاده کنند . آبهای حمام و حوض و اتوشویی مردم به آب جوی وارد میشود . و آب جوی را کثیف تر و آلوده تر میکند . آب خوردن را از آب فشاری ساختن شهرداری می آورند که از محله دور است . برای آوردن آب مجبورند از خیابان رد شوند خطر تصادف با اتومبیل زیاد است و هر چند وقت یکی کشته یا زخمی می شود . خیلی وقتها آب را می بندند و نمیگذارند کسی استفاده کند . همسایه های اطراف هم از دادن آب خود داری میکنند . دیگر اینکه در خرابه های اطراف اشغال و زباله ریخته میشود و در نتیجه هوا آلوده

بچه هایمان را معاینه کند . وایسر جا را ضد عفونی کنند تا توی اینهمه اشغال و کثافت جلوی مریضی بچه ها گرفته شود . زنی با سطل آب درحالی که بچه اش هم به پشتش بسته بود از راه رسید . بعد از رفع خستگی و کوش کردن به حرفها چنین گفت: حسرف ما همه یکی است . ما خانه میخواهیم آد میکه میمیره سه متر زمین بهش می دهند ولی ما که زنده هستیم بسه اندازه مرده هم جا برای زندگی کردن نداریم . پدر پیری گفت ما

نمیگوئیم که همین الان خانه بد دهند ولی هرچه زودتر بهتر . مثل ما بسی خانمان و سرگردان زیاد است . همین آیزنهاور پشت پپسی کولا حدود ۱۰۰۰ خانوار و خیابان خون و کندی هم کلی دیگر زاغه نشین هستند که وضع شان مثل ماست .

خانه سازی حرکت مقدسی است که باید همه مردم و خود دولت در آن شرکت فعال بکنند و هر کسی هر کمکی که میتواند به آن بکند تا مردم زحمتکش زاغه نشین زودتر از این وضع نجات پیدا بکنند و سرو سامانی پیدا کنند . همچنین دولت و گروههای امداد باید در حل مشکلات فعلی زاغه نشینها کمک کنند تا کمی از بار رنجشان سبکتر شود .

از مردم و دولت در گرفت مادر پیرو ناتوانی گفت : خدا عمر به آقا بدهد که بفکر ماست . ما اول سلامتی آقا و بعد یک خانه میخواهیم که این آخر عمری راحت توش زندگی کنیم . آدم اینجا از زندگی سیر میشود من چند بار از خدا مرگ خواستم که از این وضع راحت بشوم . سقف آلونک دارد روی سرم خراب میشود و لسی چاره ای ندارم و جایی ندارم که بروم کارگر میان سالی که تازه از کار روزانه خسته و کوفته برگشته بود دنباله



حرف مادر را گرفت و گفت: زمان شاه از دست دولت و شهرداری جانمان به لب رسیده بود . همین لانه هارا هم چند بار بصرمان خراب کردند از ما هم باج میخواستند . تو این ۲۰-۱۵ سال هیچ کاری جز اذیت برای ما نکردند . تا خانه درست کنند برای ما زاغه نشینها چند وقتی طول میکشد . ولی بیایند کهکهای دیگر بکنند . مثلاً یک دکتر بفرستند

شده است . مگر و پشه فراوان است روزها از دست مگر در عذابند و شبها بخاطر گرما و پشه نمیتوانند بخوابند . از این به بعد با گرم تر شدن هوا مجبورند شبها در بیرون آلونکها بر روی زمین ناهموار در کنار هم بخوابند . بعضی همسایه ها بجای کفک حتی اذیت هم میکنند و باعث ناراحتی این مردم شریف میشوند . چون هوا گرم است داخل زاغه ها مثل تنور داغ میشود . بچه ها از زور گرما در لوجه و خیابان

ولو هستند . همسایه ها میگویند بچه ها را نگذارید از زاغه ها بیرون بیایند و سرو صدا بکنند . مگر بچه مرغ است که پایت را بست ؟ گرفتاری هایشان زیاد است و لسی پای صحبت هایشان که بنشینسی خیلی با امید واری حرف میزنند .

صحبت بر سرد ستور امام در ساره خانه سازی برای مستضعفین و زحمتکشان و خواسته ها و انتظار آنها



نقش کارگران در انقلاب

هم شهید شدند * تاریخ مبارزات کارگران خیلی زیاد است و اگر همه

آنها را بنویسیم مثنوی هفتاد من میشود * فقط چند نمونه از مبارزات سالهای اخیر را مینویسیم مثل مبارزه کارگران جهان چیت در سال ۵۰ که توسط نظامیان سرکوب شد و تعدادی شهید و زخمی برجای گذاشت، مبارزات کارگران شرکت نفت در سالهای ۵۱ و ۵۲، مبارزه کارگران اتوبوسرانی تهران، مبارزه کارگران فرقه زیبا و کارگران نساجی شاهی در سال ۵۴ که با حمله نظامی، مأموران مزدور شاه تعدادی از کارگران به خاک و خون افتادند ولی این حمله ها آنها را نترساند بلکه آنها را مصمم تر و متحد تر نمود. در جریان انقلاب اخیر وقتی کارگران

خود دست به اعتصاب زدند * کارگران وقتی در کارخانه ها با اتحاد همبستگی اعتصاب کردند به نیروی خود پی بردند و شدید تر در مبارزات هم دست دیگر طبقات و گروهها شرکت کردند و رژیم طاغوتی را بزانو در آوردند * این اتحاد بخاطر این بود که کارگران میدانستند یک دست صدا ندارد * کارگران که سالها با فقر و سختی زیاد زندگی کرده بودند برای نجات خود بارها در گذشته مبارزه کردند که گاهی وقتها موفق شدند و بعضی وقتها هم موقتا شکست خوردند و حتی با حمله نظامیان شاه و وطن فروش نیز روبرو شدند که تعدادی از آنها

انقلاب اسلامی کشور ما که انقلابی بر ضد بیگانگان و حکومت ننگین محمد رضا شاه خائن بود با مبارزه مردم قهرمان ما و رهبری خردمندانه امام خمینی به ثمر رسید. این مبارزه با شرکت تمام مردم بخصوص زحمتکشان به پیروزی رسید و حدت کلمه در بین مردم مافداکاری ها و خون هزاران شهید ضامن پیروزی این انقلاب میهنی بود *

کارگران نیز مانند دیگر طبقات در این مبارزه شرکت کردند * اگر کارگران در این انقلاب شرکت نمیکنند انقلاب ما به پیروزی نمیرسد * ابتدا که مبارزات مردم به شکل تظاهرات خیابانی بود کارگران نیز در این مبارزات شرکت می کردند ولی این کار به

تنهایی نشان دهنده قدرت واقعی کارگران نبود * وقتی قدرت واقعی کارگران معلوم شد که آنها بصورت دسته جمعی در اعتصابات کارخانه ها شرکت کردند و چرخ کارخانه ها را از حرکت انداختند و اقتصاد رژیم طاغوتی را در هم پاشیدند * کارگران حتی در خیلی وقتها با کارخانه ها دیگر که اعتصاب کرده بودند هم ردی کرده و برای حمایت از آنها با بازگو کردن مسائل سیاسی و صنفی



نیز اعتصاب کردند مبارزه خیسلی وسیع تر شد. کارگران فقط در ماهها شهر یور تا ابان طبق آمار ناقص روزنامه ها ۲۳۰ اعتصاب کردند که تعداد بیش از ۵۵۰ هزار نفر کارگر در آن شرکت کردند که از آن جمله میتوان از کارخانه چیت- سازی ری، کارگران معادن ذغال سنگ، کارگران مجتمع چوب و کاغذ رشت، کارگران مس سرچشمه، کارگران شرکت نفت، کارگران ذوب آهن و غیره نام برد.

بعد از رشد اعتصابات و شرکت وسیع تر کارگران در مبارزات خیابانی، مبارزات خون تازه ای پیدا کرد و راهپیمایی های چند هزار نفری و چند صد هزار نفری به چند میلیون تن تبدیل شد زیرا کارگران ایران با خانواده های خود تقریباً برابر یک سوم جمعیت ایران هستند. کارگران در مبارزات شهامت خود را نشان دادند و از توپ و تانک نترسیدند شجاعت آنها برای دیگر طبقات آموزنده بود. آنها سینه خود را جلو گلوله سپر میکردند و میگفتند: "تا شاه کفن نشود این وطن و وطن نشود". کارگران همانطور که رهبری انقلاب سهم زیادی داشتند بیشترین قربانی را هم برای آزادی ایران دادند بطوری که بیشترین

تعداد از ۶۰ هزار شهید راه حق و حقیقت از کارگران قهرمان ما بود. بزرگترین اعتصاب کارگری ایران در انقلاب اخیر اعتصاب کارگران شرکت نفت بود. رژیم طاغوتی شاه از آنجا که به مردم متکی نبود و به خارجیان تکیه داشت مجبور بود نفت ما را و دستی بانها بدهد و از درآمد آن به زندگی کثیف خود و اطرافیان وطن فروش رنگ و جلانی بدهد. کارگران شرکت نفت در شروع انقلاب چند بار اعتصابات بطور جدا از هم کردند مانند اعتصابات کارگران پالا- یشگاه آبادان، پالایشگاه نفت تهران، پالایشگاه شیراز و غیره که در چند مورد با حمله نظامیان مواجه شد و تعدادی از کارگران نیز شهید شدند. شهادت این کارگران دیگران را وحشت زده نکرد. آنها با اتحاد خود توانستند اعتصاب سراسری شرکت نفت با ۶۰ هزار نفر را در روز ۸ ابان بر پا کنند که دیگر نفت به خارج صادر نشد. بعد از اعتصاب سراسری شرکت نفت کارکنان شرکت گاز نیز دست به اعتصاب زدند و صادرات گاز نیز تعطیل شد. خارجیانی که نفت و گاز ما را با قیمت های ارزان از ما میگرفتند با این اعتصابات استفاده خود را از دست دادند و دچار کمبود زیادی شدند و شاه خائن که تنها امیدش

را به نفت بسته بود دچار مشکلات تازه ای شد و برای شکستن این اعتصابات به حيله روی آورد و سعی کرد با عده های کارگر با حقوقهای زیاد اعتصاب را سرکوب کند و از طریق گرفتن خانه های کارگران و بی خانمان کردن خانواده شان آنها را وادار کند که به کار برگردند، حتی بنا به گفته ی یکی از کارگران مبارز پالا یشگاه آبادان ما مورسین حکومت نظامی به در خانه های کارگران اعتصابی میرفتند و آنها را به زور اسلحه ویا تهدید های بسیار به سر کاری بردند یا آنها را با خانواده شان به زیر کتک و ضربات اسلحه می گرفتند. ولی این حيله ها شکست خورد و کارگران با همه ی سختیها وحدت کلمه ی خود را حفظ کردند و به گفته ی امام خمینی که گفته بود تا پیروزی نهائی اعتصابات را ادامه دهید عمل کردند. وقتی اعتصابات و اعتراضات ادامه پیدا کرد شاه خائن مجبور شد از ایران فرار کند. بعد از فرار شاه باز هم اعتصابات ادامه داشت تا اینکه کارگران همراه دیگر گروهها و طبقات زحمتکش در قیام مسلحانه ی ۲۱ تا ۲۳ بهمن شرکت کردند و با خون خود این پیروزی بزرگ را به دست آوردند و حکومت شاهنشاهی را بعد از ایران دادند بطوری که بیشترین

بقیه صورت اتحاد ...

و مبارزه‌ی قهرآمیز با مزدوران شاه بود. کارگران میهن ما با در نظر گرفتن اینکه انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ایران هنوز به کمال مطلوب خود نرسیده است و این نهضت همچنان ادامه دارد، دو وظیفه‌ی اساسی زیر را در پیش دارد.

۱- تحکیم وحدت و یگانگی خویش جهت نیل به خواسته‌های اساسی خود و ایجاد سند یگانه‌ی واقعی بمنظور دفاع از حقوق صنفی. با در نظر گرفتن وحدت کلمه که خواست رهبر انقلاب است.

۲- اتحاد با دیگر طبقات و اقشار خلقی جامعه مان که هر کدام به نوبه خود در انقلاب نقش داشتند و در برابر قدرتهای بیگانه مبارزه کردند.

کارگران میهن ما باید بدانند در صورتی میتوانند به حقوق و خواسته‌های خود دست یابند که دست غارتگران امپریالیست از مملکتمان کوتاه شود.

بدون تردید کارگران همانطور که تا بحال نشان داد مانده در آینده نیز در انقلاب ملی مان نقش پیشگراول خواهند داشت. و در جهت قطع دست بیگانگان دشمنان و سایر اقشار و طبقات خلق مبارزه خواهند کرد.

آنهاست روبرو شد، سیاست ضد کارگری رژیم سابق از همه امکانات خود برای چابیدن و بهره‌کشی بیشتر کارگران استفاده میکرد مثلاً، درست کردن شناسنامه کارگری، وارد کردن کارگر خارجی، فروش سهام به کارگران و غیره همه برنامه‌هایی بودند که کارگر را بیش از پیش در قید و بند آنها نگه میداشت. کارگر در اثر کوچکترین اعتراضی اخراج میشد، به بند کشیده میشد و تحت تعقیب ساواک و پلیس قرار میگرفت، عکس العمل فردی کارگر در مقابل اینهمه ظلم و جور چیزی جز اخراج بدنبال نداشت، ضرورت یک نوع همبستگی به چشم می‌خورد تا کارگران بتوانند از مبارزه رویاروی با دشمن پیروز بیرون آیند. اتحاد آنها نوید پیروزی را برایشان به همراه می‌آورد.

بقیه نقش کارگران ...

۲۵۰۰ سال نابود کردند. مبارزات کارگران به دو شکل بود، یکی براه انداختن اعتصابات عظیم مشکل با وحدت کامل که در دنیا بی سابقه بود. در هیچ جا چند میلیون کارگر به مدت دو ماه اعتصاب نکردند. شکل دیگر مبارزه کارگران، شرکت در مبارزات خیابانی



داستان

دست‌ها و مشت‌ها

سواد علی کارگر يك شرکت شن و ماسه در حوالی جاده كرج بود. تقریباً می‌شود گفت که کارگر فصلی بود. چون بعضی وقتها که فیلش یاد هندوستان میکرد بارونند یلش را می‌بست و میرفت و مدتی بید این نمی‌شد. يك دستش را در جریان کار از دست داده بود و خودش می‌گفت: "با این يك دست که دارم چه کار از دستم بر می‌یاد؟" این بود که يك روز خیلی ساده بارونند یلش را بست و رفت و دیگر سرکار نیامد. آخرین بار که دیدمش توی یکی از تظاهرات بود. آنوقتی که هنوز سردسته دزدان یعنی شاه خائن فراری و درید نشده بود. سواد علی توی جمعیت بود و همراه جمعیت فریاد میکشید "تا شاه کفن نشود این وطن وطن نشود". ماتم برده بود. هیچ انتظارش را نداشتم آخر او که بچه‌ی یکی از آبادیهای دوروبر تبریز بود توی خیابان تخت جمشید چکار میکرد؟ آن هم توی آن جمع که دانشجو و دانش آموز و کسبه شهر بپا کرده بودند. راستی چه می‌خواست و برآچه‌ها شدت هرچه تماشا و انتقام‌جویانه فریاد می‌کشید؟ قدری که به صورت و حرکاتش نگاه کردم تعجبم بیشتر شد. در کنار جمعیتی ایستاده بود که در گوشه‌ی یکی از چهارراهها جمع شده بودند. به چشمهایش نگاه کردم. برق عجیبی می‌زد. چشمها و چهره اش دیگر آن بی‌حالتی و افسردگی سابق را نداشت. گونه‌اش يك پارچه آتش شده بود. تمام عیگش بیقرار و لبریز از تحرك بود. حتی برای يك لحظه هم در يك جا قرار نمی‌گرفت. دائما به این طرف و آن طرف کشیده می‌شد راستی او با آن صورت پور روستائی و با آن قیافه خجول و تودارد هائی آنجا چکار می‌کرد؟

سرتاسر خیابان جمعیت اینجا و آنجا ازدحام کرده بود. بعضی جاها کمتر و بعضی جاها بیشتر. اما آنجا که سواد علی بود - ازدحام بیشتر بود. گاهی راهبندان ماشین‌ها در سوچهارراه شلوفی خیابان را چند برابر می‌کرد. از چند خیابان آنطرفتر صدای شلیک تک تیر و گاهی رگبار شنیده می‌شد. در این موقع جمعیت سعی می‌کرد از جاهای مختلف به طرف چهارراه هجوم بیاورد. جوانان زیادی در جاهای مختلف کاغذهای یکواختی را که روی همه‌ی آنها اشعارهای ضد سلطنت نوشته شده بود پخش می‌کردند. رهگذران دیگری همان کاغذها را که روی زمین می‌افتاد برمی‌داشتند و روی شیشه‌های ماشین‌ها و زیر بری پاک‌کن‌ها محکم می‌کردند. روی خط وسط خیابان فاصله‌به‌فاصله لاستیکهای کهنه ماشین‌ها در حال سوختن شعله می‌کشید. سرتاسر خیابان را دود غلیظی پوشانده بود. جمعیت خبر می‌داد که سرچهارراه بعدی يك اتوبوس نظامی را به آتش کشیده‌اند. ما از چند خیابان آنطرفتر



خبر رسید که چند دختر و سر را به گلوله بسته و شهید کرده‌اند. سواد علی هنوز توی جمعیت بود. با تمام وجودش فریاد می‌کشید و مشت آن دستش را که سالم مانده بود بطور مداوم با حالتی تهدید کننده و خشمگین به آسمان می‌گرفت. کمی که دقیقتر شنیدم دیدم که اکثر مشتها به طرف شمالی ترین قسمت شهر گرفته‌اند. گوئی داشتند سردسته‌ی دزدان و راهزنان و کاخ ظلمت را تهدید میکردند.

شمارها مانند رعد از حنجره‌ها بیرون می‌ریخت و پس از چندی بقیه در صفحه ۱۰



گزارش يك كارگر زن از كارخانه تارس الكسوليك

موضوع ناراحت میشود و به اشکال مختلف سعی میکند که بین کارگران تفرقه بیندازد و یا آنها را تهدید میکند و به یکا يك آنها می گوید که اگر کاری داری و میخواهی جلسه بگذاری برو، کس دیگری را بجاییت میگذارم حال این کارگر خواه سرکارگر باشد خواه روی خط کار کند و خواه کارگر ممتاز، باو میگوید حالا که نمایندگی از کارت مهمتر است پس آدم دیگری را به سر کارتو میگذارم. باید اضافه کرد که در بین ما کارگران آنچنان همبستگی وجود دارد که اگر یکی از ما نباشیم دیگران بکار ما رسیدگی میکنند منتهی چون کارگر کم است و عده ای را اخراج کرده اند یا بدلیل دیگر استعفا داده اند کافرما نخواسته بجای آنها کارگر استخدام کند و حالا همان برنامه قبلی را با کمبود ۳۰٪ کارگر از کارگران میخواهد واقعا فشاری طاقت فرسا و غیر قابل تحمل بر کارگران روا میدارد. این مسئله نشان میدهد که هنوز اقدام مشمری در این کارخانه انجام نگرفته تا جایی که اگر بخواهی اعتراض کنی یادرد ناروا که واقعا منصفانه نیست و بر چسب غیر انسانی به آدم میزنند.

مسائل دیگری در رابطه مردان و زنان کارگر در کارخانه وجود دارد که میتوان بررسی نمود و نتیجه گیری کرد که واقعا به وضع زنان از نظر اقتصادی هم رسیدگی نمیشود و حال که این انقلاب عظیم بقیه در صفحه ۲۴

زنان نیمی از جمعیت ایران را تشکیل میدهند و در جوامع تحت ستیم، ستمدیده ترین افراد در جامعه هستند. زمانیکه رژیم منفور پهلوی حاکمیت داشت زنان زحمتکش مملکت ما به علت فقر و سختی زندگی و هزینه سرسام آور از یکطرف و بحلت رشد سرمایه داری وابسته و احتیاج روزافزون آن به نیروی کار ارزان به کار و کارخانه ها رو آورده و تحت شدیدترین ظلم و اجحاف قرار میگرفتند. در مورد زنان زحمتکش کارگر در کارخانه اجات موضوعات فراوانی وجود دارد که اگر بخواهیم در باره تک تک آنها صحبت شود سخن بدرازا میکند. در این نوشته چند نکته از مسائل زنان در کارخانه خودمان را مورد بررسی قرار میدهم.

در زمان رژیم طاغوتی پهلوی، ما زنان حق هیچ گونه اظهار وجود نداشتیم. جز اینکه وسیله استعمار و بهره گیری قرار بگیریم و به ما به صورت عروسک نگریسته میشد و چیز دیگری نصیبمان نمیشد. متأسفانه در اینجا هنوز ما نتوانسته ایم آزادی نسبی بیشتری برای خود بدست آوریم و هنوز اجازه هیچ نوع فعالیتی را در محیط کارمان بصورت آزادی نداریم. منظور از فعالیت آزاد همان مبارزه برای اتحاد زحمتکشان و انتخاب نماینده از طرف خود کارگران است تا بتوانیم از این طریق نقش فعال خود را در اجتماع ایفا نمائیم. مثلا زمانیکه کارگران میخواهند جلسه ای ترتیب دهند و نمایندگان کارگران گرد هم جمع شوند، کارفرما کاملاً از این



خواست های کارگران

طرح خواستها و مشکلات رفاهسی معیشتی ، و غیره ی کارگران وامکانات دولت موقت جمهوری اسلامی بحثی است که در محافل مختلف بویژه کارگری هرروزه در جریان است .

آنچه که تعیین کنند هی واقعی خواستها و مشکلات امروزی آنهاست با توجه به مشکلات امروزی دولت موقت باید طرح گردد ، این طبیعی است که زحمتکشان ایران بویژه

کارگران مبارز میهنمان طی سالها ستم و بهره کشی رژیم طاغوت ، امروزه در وضع فلاکت باری زندگی میکنند و کمبود های زیادی در زمینه های رفاهی معیشتی ، درمانی و غیره دارند ، حل این مشکلات و کمبودها

باید با توجه به در نظر گرفتن اهمیت آنها باشد . بلاهایی که رژیم محمد رضا شاهی به سر این طبقه آورده چند روزه و یا چند ماهه از

بین نمیرود . از طرف دیگر دولت موقت نیز با خزانه تهی مشکلات فراوانی برای به گردش در آوردن چرخهای اقتصادی مملکت دارد . بنابراین طبقه کارگر خواست هایش را باید

حتی الامکان محدود به ضروری ترین آنها بکند تا بتواند به آنها دست یابد . دولت موقت نیز باید به این مسئله واقف باشد که برای پیشبرد ام

انقلاب و به حرکت در آوردن چرخهای اقتصادی مملکت در درجه اول باید به زحمتکشان تکیه داشت و تکیه به زحمتکشان امکان پذیر نیست مگر آنکه مسائل مبرم امروزی آنها را حل کند

و در یک کلام انقلابی عمل کند . زحمتکشان باید مملکت را از آن خود بدانند این امر در صورتی امکان پذیر است که دولت موقت تمام هم خود را در جهت حل مشکلات آنها صرف کند .

با توجه به آنچه که گفته شد میتوان خواستهای مبرم امروز کارگران را در چند خواست زیر خلاصه کرد .

۱- بازگشت مجدد کارگران بیکار به سر کار و نداشتن اجازه اخراج خود سرانه از طرف کارفرما .

امروزه بیکاری مشکلی است جدی که کارگران مبارز با آن دست به گریبانند و کارفرمایان نیز به بهانه های کار نداشتن و غیره کارگران را از سر کار بیرون میکنند . اکثر کارگران در اثر اعتصابات و تظاهرات در زمان سرنگونی طاغوت از کار برکنار شده و یابرداخت

ماهها حقوقشان به عقب افتاده ، بعد هم در اثر فرار سرمایه داران و کارفرمایان وابسته به خارج کارشان تعطیل شده و در طول این مدت

آنطور زندگی بخور و نمیر خود و فرزندانشان را گرداند مانند که همه از آن آگاهی داریم ، وضع این کارگران به آنچنان مرحله ای رسیده که ادامه حیات دیگر برایشان امکان ندارد و

دولت موقت هرچه زودتر باید از طریق وام ، برگرداندن مجدد آنها به سر کار و رسیدگی هرچه سریعتر به وضع آنها مشکل این مرحله ای آنها را هرچه سریعتر حل کند .

کارگران در پیشبرد امر انقلاب سهم زیادی دارند و در این انقلاب از همه چیز خود گذشتند . بدون شرکت ، فداکاری و از خود گذشتگی آنها این انقلاب نمیتوانست به پیروزی برسد

آنها هرچه که داشتند در طبقه خلاص گذاشتند ، حمایت و تأمین خواستهای فوری این طبقه وظیفه دولت موقت است .

۲- رسیدگی به وضع مسکن کارگران : مسکن یکی از احتیاجات مبرم کارگران است و عده وعید های رژیم طاغوتی محمد رضا شاه هیچ کدام برای کارگران نشد و رژیم وابسته شاه

سالها وعده های سرخرمن به کارگران داد و عمل نکرد ، فعالیتهای رژیم طاغوت برای کارگری خانمی و خانه بدوشی امروز راباعت شده ، خانه های

گفتم میان خلق که خلاق د هر کیست کردن کشید کارگری زان میان که من

دنباله داستان . . .

جای خود را به شعارهای تازه می داد . گاه به گاه صد ایستیک گلوله صدای همه پهر دم را می پوشانید . صد انزد یگتر می شد اما جمعیت با شجاعت بی نظیری حرف خود را فشرده تر می کرد توی صورت سواد علی ترسی دیده نمی شد ولی با نزد یک شدن صدای تیر جمعیت داخل کچه پناهی برده وضع خیابان و انبوهی جمعیت و سرو صد او بوق ماشین ها و دندگی جوانترهائی که یک لحظه آرام نمی گرفتند خبر از واقعه ناخوشایندی می داد . سیل جمعیت این را فهمید نبود و داشت تصمیم نهائی خود را می گرفت که برود یا بماند .

توی فکر رفته بودم . فکر روزها و شبهائی که با سواد علی توی یک کارگاه کار می کردیم و من از او می پرسیدم : "چند تا بچه داری ؟ اگر بهار بیاید . به ولایت می روی یا نه ؟ توی ده چکاری کنی ؟ موقع آمدن سوختی یادت نرود . " ما در نفر هم خرج بودیم خورد و خوراکمان یکی بود . با هم انس گرفته بودیم . شیفت شب که می شد بهم طاقت

قرا رگند داشته بودیم که با هم ترکی صحبت کنیم تا زبانش را یاد بگیریم .

شبهای زمستان از نیمه شب به آن طرف جا و دم می گورد و می آورد تا بلکه خواب از سرمان بیرون .

توی همین فکرها بودم که ناگهان همه ی جمعیت بالا گرفت . از قرار معلوم نظامیان هجوم آورده بودند و تنها یک خیابان آن طرف تر سنگر گرفته بودند .

جمعیت کم کم از هم جدا شده و هر کدام بسوئی رومی آوردند سواد علی اما هنوز محکم سر جا پش ایستاده بود و خودش را بیشتر توی جمعیت قاطبی میکرد . صدای چند تیر از فاصله خیلی نزدیک به گوش رسید . صفا به هم فشرده می مردم داشت از هم می پاشید که یکهو صدای خشمگینی در فضای خیابان پیچید " پنجاه سال جنایت سلسله کتافت



انبوه بهم فشرده مردم این صدا را گرفت و با تکرار آن به سمتی که صدای شلیک از آن سوی آمد هجوم برد .

خواستیم بطرفی که مردم روانه بودند بروم که دفعتا چند اتومبیل ارتشی سرچهارراه سبز شدند خواستیم به آن سمت که سواد علی همراه با جمعیت میرفت بروم یا بهتر بگویم خواستیم به آن سمت فرار کنیم . لکن دیگر دیر شده بود

بی خوابی او خیلی زیاد بود و بعضی وقتها که من چرت می گرفتم و او از آن طبقه ی پائین می دید که سرم روی تا بلوی سنگ شکن خم شده ناگهانی و بلند صدایم می کرد که یکهو چرتم پاره می شد . از این گذشته او خیلی چیزهای مربوط به شیوه های کار یاد داده بود و در این مواقع همیشه با لحن مهربانی می گفت : " قارداش . من این دستم را مفتی از دست ندادم ."

کشیده شد. من میخواسم به سرکارم برگردم، اما کارخانه مرا در مقابل مبلغ کمی تحت عنوان مازاد بر احتیاج اخراج نمود. اعتراض کردم. در مقابل آقای خلیلی نمایندۀ وزارت کار بمن گفت همین است که هست میخواهی بگیر میخواهی نگیری. تو نمیتوانی بکار برگری اگر بیشتر حرف بزنی تو را بجای دیگر میفرستم. نمیدانم مقصود از جای دیگر چه بود. این بود یا جای دیگر چون در آن زمان رژیم طاغوتی و دوره خفقان بود، من نتوانستم از حقم دفاع کنم. من که چند سال از عمرم را در این کارخانه گذراندم و حتی چند برگه تشویقی دارم چگونه مرا بعنوان مازاد بر احتیاج اخراج کردند؟ و بعد از ما تعداد زیادی کارگر ساده استخدام نموده و بجای ما گذاشتهاند. و حال که رژیم طاغوت سرنگون شده و ما در جمهوری اسلامی زندگی میکنیم، میخواهیم چرخ مملکت را بهتر از این بگردانیم به کارخانه مراجع نمودم تا مجدداً به سرکار خود برگردم ولی باز هم کارفرما و همان عوامل و رؤسای سابق در کارخانه و وزارت کار که باعث اخراج ما شدند و هم اکنون هم بر سر کار میباشند از بازگشت ما به سرکار خود جلوگیری میکنند. لذا خواهشمندم در این باره رسیدگی شود تا ما کارگران اخراجی پارس الکتریک بتوانیم به سرکار خود برگردیم. * * * * *



علت اخراج بنده

مراد ارتباط با اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از کارخانه اخراج کردند. جریان امر چنین بود که روزی از طرف چند نفر از کارگران برای حق طبقه بندی به آقای غنی فر (نماینده وزارت کار برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل) مراجعه کردم. به ایشان گفتم کارگر با شغل مشابه باید دارای حقوق مشابه باشد. ایشان در جواب گفت اگر این حرف را در داخل کارگاه مطرح کنی تو را اخراج میکنم.

سهس من به "قسمت" آمدم و این موضوع را به کارگران گفتم. سرپرست "قسمت" که در آن محل بود به ناسزاگویی و توهین به من پرداخت نتیجتاً میان ما درگیری بوجود آمد. پس از این واقعه چند روزی میان ما و شرکت جنگ و دعوا بود. یکبار هم نماینده کارگران کارخانه برای رسیدگی به وضع ما پیش نمایندگان کارفرما رفت و با آنان صحبت کرد ولی این کار عملی نشد. برخورد بد مسئولان کارخانه نسبت به من تا بدان حد رسیده بود که هرگاه با کارگری در "قسمت" صحبت میکردم مرا به دفتر میکشیدند که چرا با کارگران حرف میزنی. حتی در ناهارخوری هم جلوی صحبت مرا با دیگران میگرفتند. تحت نظر بودم و تهدیدم میکردند. آقای نصیری چند مرتبه به من و یکی از کارگران گفت که میفرستم شکنجهات دهند. نمیدانم این شکنجهگاه در کجا بود. بالاخره سرپرست بعد از مدتی مرا اخراج کرد. پس از اخراج مدت دو ماه با سرپرست مجادله داشتم. هر روز به نگهبانی میامدم و مینشستم که به کارم بازگردم ولی نتیجه نگرفتم. تا اینکه به وزارت کار رجوع نمودم، و شکایت کردم. وزارت کار به حل اختلاف

■ دوستان! برای ما شعر و داستان کارگری بفرستید ■

جوشکارم

جوشکارم، جوشکارم معدم ابزارکارم
چکش و سندان و گیره و زو شب در دست دارم
تا جهد برقی بسویم من ز دیده اشکبارم
با که گویم من چه نمایم چرا اند و هببارم
کارفرما می برد محصول رنج بی شمارم
از پس یک عمر زحمت درد و رنج آشکارم
هر کجا بینی بنائی یاد کارزننده دارم
تا که برجی راه به اوج آسمانش می سپارم
تکه های آهنی را بر سر هم می گذارم
جان دهم ناچار هستم که به حال مرگ باشم
از برای لقمه ای نان دانه اندرتلاشم
چشم طفلم هست بر روتا که بیند شب معاسم
کس نداند حال زارم روزگار دلخراشم
وہ چه گویم روشنی هرگز نبیند آشیانم
آه زیر بار بشکست پشت و استخوانم
درد جانفرسای قلبم می زند آتش به جانم
روز بیکاری و بیماری چگونه بگذرانم
جوشکارم، جوشکارم، جوشکارم
کارفرما می برد محصول رنج بی شمارم
جوشکارم، جوشکارم، جوشکارم

آری دست او دستهای دیگری را یافته بود و همچنین مشت او
نظامیان سرچهارراه را قرق کرده و مد او ما به زمین و آسمان
شلیک می کردند. خواستم به سمت سواد علی رفته به او بگویم
که *یادت می یاد یادت می یاد. شرکت ریگزار را می گویم؟

■ ■ ■ ■ ■

این شعر در حدود ۱۶ سال پیش توسط کارگر جوشکاری
نوشته شده و زمانیکه سندیکای فلزکار - مکانیک
افتتاح شد این شعر را به سندیکا تقدیم نمود.



بقیه داستان

شرکتی را که یک دست را توی آن جا گذاشتی. شرکتی
را که نه بیمه اش به درد خورد و نه سود ویژه اش.
خیابان دیگر خلوت شده بود. دود از سرتا سر آن بلند
بود. راه بندان اتومبیل ها شکسته بود و من اما به کویه ای
به دور از چشم نظا میان پناه برده بودم.
با خود فکر می کردم شبی را که سواد علی بار و بنه اش را بسته
بود و راهی دیارش شده بود، بیاد آوردم آن شب من نتوانستم
بیدار بمانم مثل تمام شب های دیگر. شیقتم را با یکی دیگر
عوض کردم و رفتم خوا بیدم اما تا نیمه های شب خوابم نبرد
داشتم در این فکر بودم که او برای اولین بار با یک دست به
دیارش می رود
باز با خود فکر کردم.

آیا او حالا هم یک دست دارد؟ آیا او حالا هم یک مشت
دارد؟ پس این همه دستها از کجا آمده اند؟ آیا این
دستها همان چیزی را طلب نمی کردند که دست او می کرد؟

اخبار

ایران

اعتصابات

● کارگران شرکت بهمنشیر — وابسته به صنایع چوب و کاغذ مازندران پس از بارها مراجعه به اداره کار استان اریو کمیته امام برای ریافت حقوق عقب افتاده وی نتیجه ماندن این اقدامات در محل استان اریو دست به تحصن زده و خواهان رسیدگی به وضع خود شدند. کارگران اعلام کردند در صورت عدم رسیدگی شرکت را تصرف خواهند کرد.

● کارگران شرکت سد سازی دیمیرجیلو شرکت ایتالیایی پیمانکار وزارت نیرو که مشغول ساختن سد لار بود مانند درسی عدم اجرای تعهد کارفرما برای ادامه کار در محل دفتر مرکزی شرکت دست به

تحصن زدند و خواهان از سر گرفته شدن کار ساختمان سد در جهای خوب ضایع ملی شدند. در ضمن کارگران خواهان رفع تبعیض بین کارگران ایرانی و خارجی در مورد مسئله تغذیه و حق مسکن و سرویس ایاب و ذهاب و ... هستند.

● ۴۰۷ کارگر و کارمند شرکت پیمانکاری ایران ترمینال که عملیات تخلیه انبار اریو بازرگانی بندر خرمشهر را انجام

می دهند خواهان تثبیت وضع شغلی خود شدند و بدین منظور دست به اعتصاب زدند. خواست آنان قرار گرفتن زیر پوشش سازمان بنادر و کشتیرانی و قوانین استخدامی دولت است.

تشکیل سندیکا

● با فروریختن رژیم ضد کارگری شاهنشاهی پهلوی کارگران فعالین هشتگپرو را برای تشکل و ایجاد سازمانهای صنفی — سیاسی واقعی خود آغاز کرده اند و هفته های قبل شاهد شکل گیری تعدادی از این سازمانها در رشته های مختلف بودیم

در این زمینه با خبر شدیم که سندیکای — کارگران پروژه های (فصلی) آبادان از طرف وزارت کار به رسمیت شناخته شده است و این سندیکا پرداخت وام بیکاری و استخدام کارگران را راسا به عهده خواهد داشت.

● در ضمن خبر یافتیم که نقاشان ساختمانی تهران و کارگران مواژیک ساب و رانندگان تاکسی نیز دست اندر کار تشکیل سندیکای واقعی خود هستند.

● از طرف دیگر ستاد مرکزی شوراهای — ترکمن صحرا از تشکیل شوراهای عالی با فان خبر داده است.

● ضمناً کارگران قالیباف آذربایجان نیز برای تامین استقلال این حرفه پیشنهاد کرده اند اتحادیه صنعت فرش این استان تشکیل شود.

بیکاری

با وجود اقداماتی که تا کنون از طرف دولت در زمینه رسیدگی به وضع کارگران بیکار صورت گرفته است این مسئله همچنان وجود دارد. کارگران بیکار که بنا با اظهار وزیر کار تعداد آنها به یک میلیون نفر می رسد بیشتر کارگران ساختمانی و پروژه های هستند و بقیه کارگران کارخانه های هستند که به علت فرار صاحبان آنها و یا به علت نداشتن مواد اولیه تعطیل شده اند. در زیر موارد کوچکی از وضع کارگران بیکار ذکر می شود

● کارگران شرکت مهبک که در پروژه ساختمان پایگاه هوایی چاه بهار کار می کرده اند و از پنج ماه قبل توسط کارفرما اخراج شده اند خواهان پرداخت حقوق مدت بیکاری و سایر مزایای کار شده اند.

● کارگران شرکت آرمه تساو شرکتهای وابسته که در روزهای انقلاب با تعطیل همزمان تمام کارگاهها توسط کارفرما بطور دسته جمعی اخراج شده اند دست به تحصن زده اند. کارگران خواهان شروع بکار تمام کارگاهها تا تمام و بهره برداری از ماشین آلات مازاد بر احتیاج شرکت برای انجام پروژه های ضروری دیگر با استفاده از کارکنان اخراجی شده اند. در ضمن آنها خواهان تسویه حساب عادلانه با افراد مازاد بر احتیاج شده اند.

اخبار جهان

فیلیپین

● کارگران فیلیپینی ۵ پایگاه هوایی آمریکا در فیلیپین از ۲۵ مارس دست به اعتصاب زدند .
تعداد این کارگران ۲۰ هزار نفر می شود . علت اعتصاب آنها اعتراض به قرارداد تجدید پایگاههای آمریکائی در فیلیپین است .

آرژانتین

● ۲۴ ساعت قبل از شروع يك اعتصاب عمومی ۲۴ تن از رهبران اتحادیه های کارگری توسط رژیم نظامی دیکتاتوری ود لا دستگیر شدند . حکومت نظامی ها این ۲۴ تن را برای مذاکره دعوت و نه پس از آمدن آنها به محل ، اقدام به دستگیری شان کردند . درست بعد از این واقعه قسمت اعظم کارگران راه آهن و حمل و نقل عمومی و بعضی صنایع بزرگ دست به اعتصاب زدند .
در ماه قبل (مارس - فروردین) بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران نساجی اعتصاب کردند که ۴۵۰۰ تن از آنها در کارخانه مونتا یارنو در شهر کوردوبا موفق شدند ۱۵٪ اضافه دستمزد بگیرند .

آمریکا

● در جری کول ، شهرستان هارلان ، ایالت کنتاکی آمریکا ۱۳۰ معدنچی ذغال سنگ برای گرفتن حق بازنشستگی و شرایط بهتر محیط کار و حقوق بهتر وارد شانزد همین ماه اعتصاب شدند . در بهترین کنتاکی معدنچیان برای گرفتن حق ایجاد اتحادیه وارد سومین سال اعتصاب خود شدند .

دومینیکن

۲ آوریل

● پس از ماهها مبارزه برای گرفتن پاداش و سود ویژه کارگران کارخانه ی فالکن بریج دست به اعتصاب زدند . دلیل آن اخراج ۴ تن از فعالین اتحادیه ی کارگران بود . بلا فاصله پس از رسیدن خبر به شهر نزدیک کارخانه (شهر بونا تو) کسبه معلمان و دانش آموزان دیگر اقشار مردم دست به اعتصاب زدند و به پشتیبانی کارگران برخاستند .

انگلستان

۱۵ مارس - انگلستان

● اعتصاب کارگران چاپچی روزنامه ی تایمز لندن بیش از سه ماه به طول کشید . است . علت اعتصاب بیکار شدن ۱۵۰۰ تن از آنها و تهدید به اخراج ۱۳۰۰ تن دیگر می باشد .

حادثه ناگوار

در شهرک اکباتان يك قالب دیوار بر روی دو نفر از کارگران سقوط کرد که يك نفر از آنها در دم کشته و نفر دیگر بشدت زخمی شد . این حادثه در بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳ خرداد ، هنگامی اتفاق افتاد که کارگران مشغول روغنکاری قالب بودند . علت افتادن قالب وزیدن باد گفته شده است !

آیا درست است که باد را مسئول این قتل بدانیم ؟
آیا قالب مقصر است ؟ یا اینکه کارفرما و وزارت کار ؟
مسلم این است که کارفرما موظف است شرایط ایمنی کار را در کارگاه خود تامین کند و وزارت کار نیز موظف است مرتبا کارگاهها را از نظر مسایل ایمنی مورد بازدید قرار دهد . در غیره این صورت باید هر روز منتظر این گونه اخبار ناگوار باشیم .

بقیه قیام ۱۵....

شاه را زیر ضربات کوبنده‌ی خود قرار دادند * مبارزات مردم زحمتکش در اوایل این سالها با سرکوب شدید ارتجاع مواجه می‌گشت * به عنوان مثال تنها در اعتصاب کارگران کوره‌پزخانه‌های تهران بر اثر حمله‌ی بی‌رحمانه‌ی ارتش ۵۰ نفر شهید شدند * اما جنبش همچنان پسه پیشروی خود ادامه داد * ارتجاع در محصه قرار گرفته بود ، بودجه مملکت را صرف خرید سلاح و سرکوب مردم و عیاشی‌های خود کرده و دست کمک به جانب جهانخواران بین‌المللی دراز می‌کرد ، بدین ترتیب دست آنان را برای چپاول و نفوذ در میهنمان بازتر نمود *

"انقلاب سفید" شاه که توسط آمریکائیان طرح ریزی شده بود در حقیقت راهی بود که می‌توانست شاه و اربابان آمریکائیش را از این مهلکه‌ی بحران اقتصادی و اوج جنبش توده‌ها نجات دهد ، میهنمان را از نظر کشاورزی بیشتر وابسته کند سرمایه‌ها را در بخش صنعت مونتاز و وابسته متمرکز کند ، کارگر ارزان برای این صنایع بوجود آورد و اجناس پنجل خود را بیشتر در ایران آب بند * به این خاطر در بهمن ۴۱ "انقلاب ششگانه" توسط شاه خائن اعلام شد * بلافاصله پس از آن ایران یک وام ۲۰۰ میلیون دلاری برای خرید اسلحه از آمریکا گرفته و برای آسان کردن این امور پیمان ننگین کاپیتولاسیون را با دولت آمریکا منعقد کرد * بر اساس این پیمان هر آمریکائی در میهن ما آزاد بود هر نوع تومین و یا جنایتی را بر ما روا دارد و ملت ایران حق دستگیری و محاکمه او را نداشت مثلا در خرداد ۱۳۵۶ خانم مارتا موریس آمریکائی مقیم تهران دارای کارت دیپلماتیک شماره ۷۹۹/۴۱ با توجه به این که مرتکب د و قتل عمد در رانندگی شده بود از محاکمه و مجازات در ایران معاف شد * وی در حالی که به افراط مشروب الکلی خورده بود از چراغ قرمز گذشت

و دو جوان ۱۵ و ۱۴ ساله را به قتل رساند * شرایط بد اقتصادی از یک طرف و خیانت و میهن‌فروشی بی‌حد رژیم دیکتاتوری پهلوی از طرف دیگر کاسه‌ی صبر ملت نجیب و زحمتکش ما را لبریز کرده بود ، زندگی پسه شیوه‌ی سابق برای مردم غیر قابل تحمل بود * درست در این شرایط بود که بدعت روحانیت و مرجع‌عالیقدر امام خمینی مردم ستم‌دیده در شهرهای مختلف ایران به خیابانها آمدند و قیام ۱۵ خرداد ۴۲ آغاز گردید * ۱۵ خرداد که مصادف با مراسم روز عاشورا بود بتظاهرا عظیمی علیه رژیم شاه تبدیل شد * در این روز توده‌های وسیع مردم از اقشار و طبقات مختلف ، کارگر ، بازاری ، دانشجو ، روحانی همه باهم مساجد و خیابانها را پسه سنگر اعتراض علیه خیانتها و میهن‌فروشی‌های رژیم‌ننگین شاه تبدیل کردند * دهقانان دهات اطراف شهرها هم به صف تظاهرات مردم شهرها پیوستند * جنبش وسیعی بوجود آمد که پایه‌های کاخهای محمد رضا شاه را بلرزه در آورد * شاه هراسان از این حرکت عظیم توده‌های خلق از تهران گریخت و دستور شلیک و قتل‌عام داد * مردم مبارز با دست‌حالی و حتی بسیاری از آنان کفن پوشان در مراکز شهرها به تظاهرات پرداختند * در عوض ارتش شاهنشاهی مسلح به انواع سلاحها و تانکها در مقابل مردم قرار گرفت و به قتل‌عام مردم پرداخت ، در این روز چندین هزار تن از کارگران و سایر زحمتکشان میهن ما بعد ست ارتش و پلیس شاه کشته شدند و هزاران تن دستگیر و زندانی گردیدند * بالاخره قیام مردم با برجای‌شهادت مقاومت و دلاوریهای قهرمانانه سرکوب شد * ۱۵ خرداد ۴۲ روز عصیان توده‌های رنج‌دیده زحمتکش میهن ما بود * روز اعلام خشم و انزجار شدید نسبت پسه ارتجاع تا بدندان مسلح بود * روزی بود که توده‌های مردم ایران طاقت تحمل رنجهای سالیان دراز رژیم وابسته و ضد مردمی پهلوی را از دست داد و به خیابان

آمده بودند تا باشعار "یا مرگ، یا آزادی" در پیکاری قهرآمیز خواسته‌های خویش را بدمت آورند. این قیام سرکوب شد. ولی خاطره‌اش در قلب آزادی خواهان - باقی ماند و تجربیاتش انقلاب امروز ما را بارور کرد.

شکست قیام ۱۵ خرداد ۴۲ نشان داد که برای برچسیدن بساط دیکتاتوری، بیرون راندن امپریالیسم و بوجود آوردن میهن مستقل و خالی از ستم و بهره‌کشی، تدارک بیشتری لازم است. باید توده‌ها را بیشتر متسکل و متحد کرد و اسلحه ایمان بمبارزه را تیزتر کرد. قیام ۱۵ خرداد چون سازمان‌دهی کافی نداشت نتوانست پیروز شود، اما زخمات و جانفشانی توده‌های ستمکش از بین نرفت. با رهبری خردمندان، امام خمینی، رفع کمبودهای گذشته و متحد کردن کلیه اقشار و طبقات خلق انقلابان پیروز شد و پوزه‌ی ارتجاع داخلی را به خاک مالید. رهبری قاطع امام خمینی در پیروزی خلقمان بر استبداد سیاه ۵۰ ساله‌ی پهلوی نقش تعیین کننده داشت و با صریح شعارهای درست، نتوانست توده‌های خلق را قدم به قدم به پیش برد. قدرت سیاسی را تصاحب کند. در پانزده خرداد ۴۲ زمانی که خلق ما غریبات کوبنده‌ای بر رژیم واپس‌ته‌ی پهلوی وارد می‌کرد، بیگانگان که قیام را مخالف اهداف توسعه طلبانه و غارتگرانه‌ی خود می‌دیدند تبلیغات زهرآلودی را بر علیه مردم زحمتکش و روحانیت مبارزمان - تدارک دیدند و در رادیوهای خود گفتند "عنا عسر

ارتجاعی ایران که از اصلاحات ارضی ناراضی هستند و افزایش حقوق اجتماعی و توسعه‌ی آزادی زنان ایران را با بمیل خود نمی‌یابند، امروز در تهران، مشهد، قم نظاهرات خیابانی برپا کردند." روزنامه‌های آنها این قیام را "تحریکات مشتی روحانی مرتجع" لقب دادند. در ادامه‌ی انقلاب باید چهره‌ی کریه دشمنان را بیشتر شناخت، آنها امروز هم دست از حيله‌گری بر نمی‌دارند و گامی از درد و سستی وارد می‌شوند و زمانی دیگر آشکارا سنگ جلوی پای انقلاب کشورمان می‌اندازند، طرفدار آزادی بشر و مدافع حقوق انسانها می‌شوند؛ ولی آزادی و حقوق بشر برای آنها چیزی نیست که مسردم زحمتکش ما می‌خواهند، آنها می‌خواهند سستمان در - چاپیدن مملکت ما بازتر باشد. ما این اجازه را به آنها هرگز نخواهیم داد.

آری جنبش ۱۵ خرداد تجارب بسیاری به ما می‌آموزد که برای پیشروی در هر نبرد مردمی بایستی همه‌ی اقشار و طبقات خلق هم صدا با هم متحد شوند. اتحاد آنان - قدرت خلق را بیان میکند، همچنانکه در جنبش اخیر ثابت کرد، هیچ نیروی را توان ایستادگی در مقابل قدرت یلغارچهی خلق نیست. علاوه بر آن قاطعیت رهبری جنبش در پیشروی و گذراندن آن از پیچ و خمهای انقلاب دارای اهمیت اساسی در پیروزی نبرد می‌باشد. جنبش اخیر نیز نشان داد که بدون یک رهبری هشیار و قاطع پیروزی نبرد ممکن نیست. دیگر این که هرگاه جنبش روی پای خود تکیه کند و در مقابل کلیه‌ی جهل‌انخواران از خود ترلزل نشان ندهد، چنانکه جنبش اخیر چنین بود،

بدون شک قادر به پیشروی و کسب پیروزی خواهد بود. کارگران میهن ما به این امر آگاهانند که با کسب تجربه‌از ۱۵ خرداد بود که جنبش اخیر مردم ایران قادر به کسب پیروزی شد. و این را تاریخ مبارزات ملت ایران عمل‌نشان

داد

■ ■ ■ ■ ■

با ما به آدرس زیر مکاتبه کنید

و تماس بگیرید:

خسبانیان تخت جمشید (بین حافظ و مصدق)

بلاک ۱۲۳ طبقه اول دفتر هماهنگی

تلفن ۶۶۲۲۷۹

آیا امید دارید که...

همان سال ۱۳ برابر مزد کارگران ماهر بوده است.
در سال ۵۲ از آماري که از ۲۷۷۹ نارخانه بدست
آمده جمعا ۲۲۳۵۱۶ کارگر در این کارخانه ها کار
می کردند که مزد آنها در ماه از این قرار بود:

کارگر ساده	۳۸۴ تومان
کارگر مونتاز	۵۰۴ "

بنابراین آمار، مزد متوسط کارگران تهران در این سال
حدود ۴۴۰ تومان در ماه بوده است.

۶۰ درصد درآمد کارگران صرف پرداخت اجاره خانه
می شود و ۷ درصد درآمد آنها به مصرف پرداخت حق
بیمه می رسد، اگر از حقوق متوسط کارگران یعنی ۴۴۰
تومان، کرایه خانه و حق بیمه را کم کنیم ۱۵۰ تومان برای
کارگر باقی می ماند که با این پول باید شکم خود
و خانواده اش را سیر کند. به این جهت است که کارگر
مجبور می شود فرزندان کم سن و سالش را هم سرکار
بفرستد.

در همین زمان (سال ۵۲) در بلوچستان یعنی
فقیرترین منطقه ایران مزد کارگران ماهانه ۱۲ تومان
بوده است.

طبق آمار بودجه ای که رژیم در سال ۵۵ منتشر کرد، کل
بودجه در این سال ۱۹۲/۵ میلیارد تومان بوده که
۱/۲۹ درصد این بودجه یعنی ۵۶ میلیارد تومان آن
صرف خرید اسلحه از خارج شده اگر این مبلغ را بین
کارگران تقسیم می کردند به هر کارگر در ماه ۸۸۰ تومان
بیشتر می رسید.

جمعیت ایران در حدود ۳۵ میلیون نفر است که ۱۸
میلیون و ۶۰۰ هزار نفر آن در دهات و بقیه یعنی ۱۶
میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در شهرها زندگی می کنند.
کل نیروی فعال جامعه (شامل افراد شاغل و بیکار)
۱۰ میلیون نفر است که عبارتند از کارفرمایان کارکنان
مستقل، کارگران و کارمندان بخش خصوصی و دولتی و
کارکنان خانوادگی بدون مزد.

کل کارگران ایران در حدود ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار
نفر است که ۱ میلیون و ۲۳۳ هزار نفر آنها کارگران
کشاورزی هستند.
۲/۵ میلیون نفر از کارگران در بخش صنعتی کار میکنند
که با کارگران ساختمانی جمعا ۳ میلیون و ۵۴۶ هزار نفر
می شوند.

تعداد تقریبی کارگرانی که در بعضی از موسسات دولتی
کار می کنند به شرح زیر است:

کارگران تاسیسات برق	۹۸ هزار نفر
کارگران صنعت نفت	۵۰ "
کارگران پست و تلگراف و تلفن	۳۳ "
کارگران ذوب آهن	۲۵ "
کارگران راه آهن	۱۸ "

تعداد تقریبی کارگران با خانواده شان در حدود ۱۲
میلیون نفر است یعنی تقریباً یک سوم کل جمعیت ایران
است.

مزد متوسط کارگران ماهر و نیمه ماهر در سال ۱۳۵۰ -
روزانه ۱۷ تومان بوده است.

حقوق مدیران شرکتهای بزرگ و صاحب منصبان دولتی در

که بود میتوانست حقوق یکماه ما را تا مین کند چون صاحب کارخانه آدم ملی بود اکثریت کارگران مسئولان کارخونه توافق کردیم تا حقوق نگیریم تا این بودجه جهت براه انداختن کارخونه بکار گرفته شود. این مسئله با پیشنهاد مسئولان بما در محیطی کاملاً آزاد صورت گرفت. تا کنون يك چنین وضعی ندیده بودیم ولی در عین حال ما هم برای خودمان و پیشرفت کار خواستهائی داشتیم که برای پیاده کردن این خواستها ۲۰ روز به مسئولین مهلت دادیم این خواستها از برسمیت شناختن نماینده واقعی ما تا جلوگیری از دخالت ناپجای بعضی از افراد خارج از کارخونه مثلا کمیته ها و موضوع حقوق چند ماه عقب افتاده و دیگر مزایای صنفی ما محدود میشد ما يك خواست فوری دیگری هم داشتیم اخراج فوری عمال رژیم سابق علی گردد و بمورد اجرا گذاشته شود.



هیچ کسرها حاضر به قبول محمد رضا نیست !!!

گزارش از يك کارخانه

حرف کارگران نسبت به انقلابیکه شده با چند جمله ساده خلاصه میشود. بعد از چند ماه مبارزه شدید و بدون دریافت حقوق و بعد از چندین سال ظلم و ستم رژیم منفور پهلوی و کارفرمایان و مهندسين دست نشانده حالا که آنها سقوط کرده اند احساس سبکی میکنیم. سبکی از اینکه با علاقه بسر کار میرویم بر خورد های کارفرما و مهندسين که سابقا برای ما غیر قابل تحمل بود ولی قدرت اظهار آن را نداشتیم و خود خوری میکردیم حالا راحت با شجاعت جلوی آنها میایستیم. مثلا قبلا تو کارخانه ما حتی مستراح های کارمندان شرکت را از مستراحهای کارگران جدا میکردند و وقتی نزد يك آنها میشدیم با توهین مارا از آنجا دور میکردند و یا حق نداشتیم بدون اجازه قبلی بدون یکی از اطاقها برای چند دقیقه صحبت کردن وارد شوم البته من يك چیزهای ابتدائی و ساده را مطرح میکنم ولی حالا هر کجای کارخانه که دلمان خواست میرویم هر ظلم و ستمی و یا برخورد نادرستی از هر مقامی که تو کارخونه باشد به مقابله بر میخیزیم نماینده واقعی خودمان را که در زمان رژیم منفور پهلوی که امتحان خودش را بر ایمان پس داد انتخاب میکنیم، همه مون یکصدا ازش پشتیبانی میکنیم. اونها به حق در تمام کارهاش از ما نظر میخواهد و با ما مشورت میکند. بعد از ۸ یا ۱۰ ساعت کار که به منزل بر میگردیم احساس خستگی نمیکشیم. تو فکر پول نیستیم زیرا همبستگی و نزدیکی بیشتری بوجود آمده. در ابتدای شروع کار بودجه برای کارخونه نبود مقدار بودجه ای

بقیه گزارش.....

کارگر با خیال راحت فرزندانشان را آنجا بگذارند و خیلی آسان به کار خود بروند .
تعداد کارگران زن کارخانه ما به ۲۰ نفر می رسد و عده ترین خواستهای آنها آزادی فعالیت سندیکائی خود برابری حقوق در برابر کار مساوی با مردان ، داشتن خانه در نزدیکی محل کار ، مهد کودک و چند چیز دیگر میباشد .
* * * * *

تعطیل کارخانه توطئه است!

در ماههای اخیر شاهد نارضایتیهائی در میان زحمتکشان هستیم که مربوط میشود به حل نشدن ریشهائی مشکلات کارگران و ادامه بیکاری و افزایش هزینه زندگی و توطئه های کارفرما و سرمایه داران بر علیه آنها . کارفرماها با چهره های گوناگون و شیوه های مختلف به نارضایتی در میان زحمتکشان دامن میزنند که این عمل باعث تضعیف دولت انقلابی و دلسردی کارگران و دهقانان در امر بازسازی اقتصاد کشور میشود . یک نمونه از این توطئه ها تعطیل کردن کارخانه به بهانه نبودن مواد اولیه از جانب کارفرماست که موجبات بیکاری هزاران نفر از زحمتکشان را فراهم و زمینه را برای ضد انقلاب آماده میسازد . بعنوان نمونه در اعلامیه کارگران چاپخانه سپهر میخوانیم .

رفقا ، برادران و دوستان کارگر چاپخانه سپهر! بعد از توطئه هائی که جهت شکست کوششهای ما برای تشکیل سندیکا انجام گرفت و شما کم و بیش در جریان آن هستید امروز توطئه دیگری علیه ما چیده شده است . حتما بگوش شما هم رسیده است که کارفرما ما را تهدید کرده است که چاپخانه را برای مدت چندین ماه تعطیل کند و دلیل آنرا هم نداشتن مواد میداند .

میرود که عمیق تر شود و به ثمرات بهتری برسد باید آگاه بود که نقش زنان نیز حائز اهمیت است . در مرحله اول دستمزد زنان کارگر و مردان میباشد که تفاوت زیادی دارد . البته ما حسود نیستیم که برادران کارگر ما زیاد حقوق بگیرند چه بسا بعضی از ایمن مردان شوهران زنان کارگر باشند ولی ما هم خواهان دستمزد برابر با مردان میباشیم مثلا کارگر ساد های که در خط مونتاژ و همردیف در یک دستگاه و یک خط همراه مرد دیگر کار میکند حقوق کمتری از مردان میگیرد . حقوق همین زن کارگر ساعتی ۶ تومان و حقوق کارگر مرد ساعتی ۸-۷ تومان میباشد . در صورتی که نیروی کار هر دو در یک مدت معین بیک اندازه بکار گرفته میشود . در مورد زنان کارگری که متاهل هستند مشکلات فراوانی وجود دارد . زن کارگری که دو یا چند بچه دارد باید صبح ساعت ۵/۴۵ دقیقه از منزلش که واقع در کرج یا اطراف تهران است خارج شود تا سر ساعت ۷ در محل کار خود که کارخانه پارس الکتریک است حاضر گردد . او میباید فرزندانش را نزد مادر خود و یا مادر شوهرش بگذارد و یا اینکه اگر کسی از اقوام نزدیکی در همسایگی دارد یا او بسپارد که این موضوع با هزاران غرولند مواجه میشود که مگر مجبوری بچه داری کار کنی ، یا بچه داری یا کار بیرون . یا یک بچه کوچک دارد که به مهد کودک میسپارد که آنها هم با محیط کارش کلسی فاصله دارد و چه بگیم در مورد مهد کودکی که در کارخانه وجود دارد . حال اگر وضع را درست بسنجیم میبینیم که آقای صاحب کارخانه کلسی زمین خالی و نساخته کنار کارخانه و چندین هزار متر مربع زمین هم روبروی کارخانه دارد و میشود با خرج بسیار کم یک شیرخوارگاه یا مهد کودک بسازد و زنان

بقیه خواست‌های....

را که کارگران فقیر با دستمزد حفیرشان نیز بنا میکنند در اثر بارش يك باران بهاری بروی سرشان خراب میشود. در همین تهران خودمان بعد از نیمساعت باران سیل خانه کارگر فقیر را با خود میبرد و سرمایه دار گردن کلفت در شمال شهر از فرح بخش بودن هوا لذت میبرد، ایجاد مسکن برای کارگران امری است ضروری که باید با مشورت و همکاری خود کارگران انجام گیرد. این خواستها همه از نیازهای روزشان سرچشمه میگیرد و کوشش برای رسیدن کارگران به این خواستها از وظائف دولت موقت است.

۲- رژیم وابسته پهلوی همیشه از وحدت کلیه نیروهای خلق بهره کارگران در وحشت بوده به این جهت سعی میکرد در بین نیروهای خلق تفرقه بیندازد و از شکل آنها جلو گیرد، پس مانده های طاغوت هنوز مذبحها تلاش میکنند تا از مشکل شدن کارگران جلوگیری کنند با بوجد آمدن سندیکاهای واقعی کارگران مخالفاند و از وحدت کارگران میترسند به همین جهت همیشه سعی میکنند در ایجاد سندیکاهای واقعی خرابکاری کنند. اما امروزه دیگر ایجاد سندیکا به خواست عمومی کارگران تبدیل شده. هم سرنوشتی کارگران در کلیه زمینه ها از جمله داشتن خواستهای مشترک سیاسی و صنفی اهمیت جمع شدن آنها را در سندیکا به آنها گوشزد میکند. سندیکاها و دیگر شکل های کارگری نیز باید به تحقق خواستهای کارگران خدمت کند و حقوق پایمال شده کارگران را به آنها بازگرداند. دولت نیز باید از کارگران پشتیبانی و حمایت کند تا آنها بتوانند به خواستهای محقانه خود دست یابند.

دستان کارگر آگاه باشید که اینهم توطئه دیگری است که برای ما چیده شده است مگر چاپخانه چه موادی احتیاج دارد که امروز در دسترس نیست انبارهای کاغذ پر از کاغذ است تقاضای چاپ کتاب نه تنها کمتر از گذشته نیست بلکه بیشتر است. ما در دوران انقلاب و در زمانی که همه جا تعطیل و همه کارخانه ها بسبب نداشتن مواد خام خوابیده بودند کار میکردیم آنوقت این معقول و قابل قبول است که در شرایط اضطراری فعلی که تقریباً فعالیت اقتصادی براه افتاده و واردات محدوداً آزاد گشته است یا کمبود مواد روبرو باشیم؟ رفقا واقعیت چیز دیگری است، واقعیت این است که اینها می خواهند از راه تعطیل کردن و بیکار نمودن ما از جواب دادن به خواستهای برحقمان طفره برونند. و در آخر این اعلامیه می خوانیم "فریب این قلد ربهای کارفرمایان را نخورید، آنها به نیروی کار ما زندگانند و صاحب قدرت هستند. آنها به جهت منافع که از زندگی نیروی کار ما بدست می آورند نمی توانند نسبت به اعتصاب و تحصن و... بی تفاوت باشند. هوشیار و پایدار و استوار باشید، پیروزی با ماست - زیرا کارگران آگاه ایران با ما هستند."

پیش بسوی تشکیل سندیکاهای واقعی خویش

پیش بسوی کسب خواستهای برحق خویش

گرتود و روزی ندهی تن بکار یکسره نابود شود روزگار باعث آبادی عالم توئی رنجسیرا معنی آدم توئی

برای زنده ماندن کار میکنم

فشار روزافزون هزینه‌ی زندگی و بالا رفتن سرسام آور قیمت‌ها بردوش زحمتکشان میهن ما سنگینی میکند. درآمد آنها بقدری ناچیز است که جوابگوی ابتدائی‌ترین احتیاجاتشان نیست. زحمتکشان خواهان بهبود وضع معیشتی و رفاهی خود هستند. دولت در صورتی میتواند از تضعیف و موقعیت خود جلوگیری کند که به این خواست‌های بحق زحمتکشان هرچه سریعتر رسیدگی کند. برای آشنائی با مشکلات معیشتی کارگران به درد دل و نفر از آنان توجه کنیم:

عباس، کارگری که ۸ سال سابقه‌ی کار در یک شرکت پیمانکاری دارد می‌گوید " ۵ سال دارم، ۸ تا بچه دارم که با خودم وزنم ۱۰ نفر میشوم. ۲۸ تومان و ۷ ریال مزد می‌گیرم. روزی ۲ تومان کرایه ماشین میدهم چند روز که از برج می‌گذرد پولم تمام میشود. تا حالا هم فقط با کمک این و آن زندگیم را گذرانده‌ام. باور کنید ربع کیلو گوشت میگیرم و در دو وعده ده‌نفری می‌خوریم. برنجی که می‌خوریم اگر جلوی مرغ بریزی نمی‌خورد ۳ تا بچه مدرسه‌ای دارم. پسر ۱۲ ساله‌ام را مجبور شده‌ام از مدرسه بیرون بیاورم و بگذارم میکانیکی یاد بگیرد تا کمک خرج خانه باشد. دلم میخواهد رسمی بشوم و یک خانه داشته باشم که توپش زندگی کنم و تا حتما راهم ندهند نمی‌توانم به کسی اعتماد کنم". کارگر دیگر این شرکت (شیرالی) بنام عطیه می‌گفت: " ۲ سال دارم. بیش از یک سال است که در این شرکت کار میکنم. حقوق من هم روزی ۲۸ تومان و ۷ ریال است. ۱۰ تا بچه دارم. کار من نظافت است. به ما حتما دستکش، ریه‌پوش و یا کفش هم نمیدهند. دست‌هایم در اثر تماس با زباله‌های انواع و اقسام مواد شیمیائی همیشه زخم هستند. حقوقم به چند روز اول برج بیشتر نمی‌کشد. بعدش باید قرض کنم. یک خانه حصیری در نخل‌های اطراف آبادان درست کرده‌ام که نه آب دارد نه برق. سال‌هاست که از آب گل‌آلود استفاده میکنم. دیگر پیر و خسته شده‌ام. کسی را ندارم که کمک کند و مجبورم برای زنده ماندن خودم و بچه‌هایم کار کنم".

این فقار دو نمونه از وضع زندگی زحمتکشان میهن ما بود که در شرایط سخت و طاقتفرسا، در اطراف آبادان، شهر ثروتمندترین جنوب بسر می‌برند.



گزارش از تحصن کارگران شرکت "ویلیام برادرز"

کارگران شرکت ویلیام برادرز در دفتر این شرکت واقع در خیابان تخت طاووس تهران دست به تحصن زدند. تعداد متحصنین در حدود ۵۰۰ نفر است که اکثر آن شهرهای مختلف آمدند و از تاریخ ۱۲/۳/۵۸ در تحصن بسر می‌برند. پای حرفشان که می‌نشینیم میگویند: "قبل از انقلاب شرکت تعطیل شد و بدون اینکه با ما تسویه حساب کنند عذر ما را خواستند. در زمان طاغوت به اداره کار مراجعه کردیم ولی آنها هیچ کاره برایمان انجام ندادند. در جریان انقلاب بنا به وظیفه‌ی ملی و اسلامی خود شرکت کردیم. بعد از پیروزی انقلاب، به امید این که حالا دیگر دوران طاغوت گذشته، برای گرفتن حقمان به اداره کار مراجعه کردیم. در اداره کار به ما گفتند که بروید و رئیس شرکت یعنی آقای رضا الهی‌نیا را گیر بیاورید و مسایلتان را با او در میان بگذارید، ما هم با همکاری کمیته امام آقای الهی‌نیا را پیدا کردیم و تحویل کمیته دادیم. کمیته به ما قول داد که دنبال مسئله را بپذیرد و تا سه‌شنبه ۵ اخرداد تکلیف ما را روشن کند. روز سه‌شنبه مراجعه کردیم جواب مشخصی به ما ندادند و از آقای الهی‌نیا هم خبری نبود."

این ماجرا هنوز به پایان نرسیده و متحصنین روی خواست خود که دریافت حقوق پرداخت نشده و استخدام مجدد است پافشاری میکنند و تصمیم دارند به تحصن خود ادامه دهند و میگویند: "اگر به ما جواب ندهند زن و بچه‌هایمان را هم به اینجا خواهیم آورد و تا حقمان را نگیریم از اینجا نخواهیم رفت."



شعری نسبتا بلند بد ستمان رسیده
است که جریان مبارزه‌ی مردم را در قیام
بهمن تعریف می‌کند که ما قسمتهائی
از آن را برای شما انتخاب کرده‌ایم

.....

تانکها پر صد اغرغرکنان
همچو مستی بیشعور افتان و خیزان می‌گذشتند
میشکستند تیر برق یاد که‌های کوچک مردم

.....

نوجوان کارگر، شعبان
همره یار وفادار، رجب
ناظر این صحنه بود از شش‌پام
گشت مال مال از غیظ، نفرت اندر دل
چون پلنگی تند و تیز، چست و چالاک
رفت از بامی بروی بام دیگر
و رجب در پشت سر
بگری بنزین بدست
تا شدند نزدیک وزانپس
تا شدند رمیان شعله‌های سرکش آتش گریخت
تا بیفتند در تر، ازیا

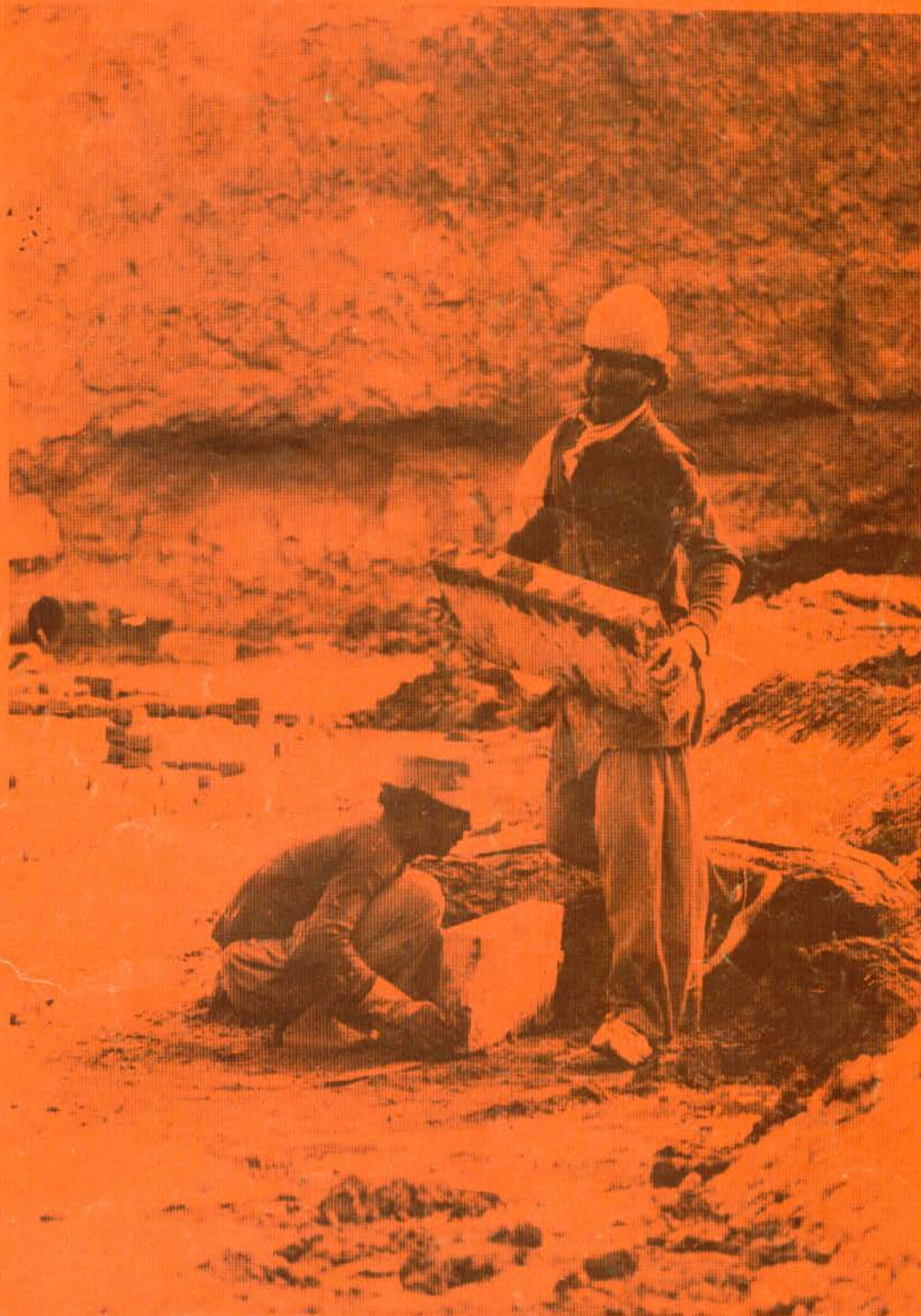
.....

صبح شد خورشید عالمتاب
پوسه‌های گرم خود را همزه نیر
سوی شهر قهرمان پرور فرستاد
در کنار دکه‌ی ویران لایلای برگهائی نیمه‌تر
قهرمان خلق، نوجوان کارگر
این چنین بنوشت:

تانک چیفتن، غول پوشالی استعمار
کرد ویران دکه را

لحظه‌ی مرگ رژیم،
مرگ بر اهریمنان و دشمنان خلق

.....



۲۰ ریال

تلفن ۶۶۲۲۷۹

آدرس: خیابان تخت جمشید پلاک ۱۴۳ طبقه اول دفترهماهنگی